

بررسی جلوه‌های پایداری در اشعار نصرالله مردانی و علی محمد مؤدب
اعظم مجیدیان*

چکیده

ادبیات پایداری، ادبیات بیداری است که ملت‌ها را از بحران‌های ملی، جنگ‌ها، ستم‌ها و بیگاری‌ها آگاه می‌کند؛ ادبیاتی است که نقاب از چهره دشمن برداشته و جایگاه‌های نهفته و خطرهای پنهان او را آشکار می‌سازد. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی جلوه‌های مقاومت و پایداری دو شاعر معاصر نصرالله مردانی و علی مؤدب اشاره کرد. روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی برگرفته از منابع و اسناد کتابخانه‌ای معتبر می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد پایداری در شعر مؤدب به ایران منحصر نمی‌شود. وی در طرح موضوعات پایداری در شعرش، نگاهی عام و فراگیر داشته؛ اما به طور خاص بر موضوعات پایداری مرتبط با کشورهای خاورمیانه متمرکز - شده است، همچنین جلوه‌های مقاومت از قبیل وطن پرستی، دعوت به مقاومت، دفاع از ملت خود، استعمارستیزی، ظلم ستیزی، تجلیل از شهید، اعتراض سیاسی و اجتماعی و ... در اشعار هر دو شاعر جلوه گر شده‌اند.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، علی محمد مؤدب، نصرالله مردانی.

مقدمه

ادبیات و به خصوص شعر، بازتابی از اوضاع سیاسی اجتماعی هر دوره تاریخی است. پیوند - و درهم تنیدگی ای که میان جامعه، فرهنگ و ادبیات برقرار است، سبب طرح تعهد هنر و هنرمند

azam.majidian1396@gmail.com

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۱



نسبت به جامعه می‌شود. هرچه تعهد هنرمند بیشتر باشد، مضامین و مسائل اجتماعی در اثر وی نمود بیشتری پیدا می‌کنند (بصری، ۱۳۸۷: ۹). آثار معطوف به ادب پایداری، اغلب به عنوان نوعی جهت‌گیری در برابر تجاوز به وطن یا موانع پیش آمده در راه تحقق آرمانهای ملی دینی نمود می‌یابند. در این میان، وطن در شعر - برخی از شاعران در سطحی گسترده‌تر از جامعه، شهر و منطقه جغرافیایی محل زندگی آنها معنی می‌شود. جغرافیا حوزه و گستره‌های است که بر اساس عوامل متعددی چون شرایط اقلیمی، سطح زمین، دین و ... آن را تقسیم بندی می‌کنند (صفی نژاد، ۱۳۸۷: ۱).

از آنجا که سرشت انسان بدی را نمی‌تابد، از این رو ناسازگاری خود را با بیداد و ستم به شکل‌های گوناگون همچون اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری و مقابله نشان می‌دهد. وقتی که روح این اعتراض در کالبد واژه‌ها دمیده شود، ادب پایداری و مقاومت جان می‌گیرد. به بیان دیگر ادب پایداری تجلی ستیز با بدی، بیداد با سلاح قلم و کلمه است. (آل بویه لنگرودی، ۱۳۹۰: ۳). در واقع؛ ادبیات پایداری نوعی ادبیات متعهد و ملتزم است که پیشروان فکری جامعه آن را در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنان را تهدید کند، می‌آفریند (بصری، ۱۳۸۷: ۸۸).

یکی از مباحث ضروری بررسی اشعار شاعران معاصر، توجه به اصالت و هویت ایرانی در زمینه‌های اسلامی، حماسی و پایداری است. ادبیات پایداری، گرچه عمری کوتاه دارد، اما شامل ابعاد وسیعی می‌شود و از گذشته دور، شاعران و ادیبانی بوده‌اند که چنین شعرهایی را سروده‌اند، ولی این عنوان (پایداری) بر شعرشان اطلاق نمیشد از جانبی دیگر، ادبیات پایداری، اصلی سازنده و پویاست که با سرنوشت تمام ملت‌های بی دفاع گره خورده است و این نوع ادبی، در دور دست، نوری را می‌بیند که تاریکی را میزداید و آینده‌های روشن را برای مردم صاحب قلم، امید دارد (وفایی خوش، ۱۳۹۳: ۱۵). از این رو؛ این پژوهش بر آن است که با رویکرد تطبیقی، جلوه‌های ادبیات مقاومت را در اشعار دو شاعر نامدار، علی محمد مؤدب و نصرالله مردانی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.



پیشینه تحقیق

پژوهشی توسط باباسالار و خضور (۱۳۹۸)، با عنوان جلوه‌های مقاومت در اشعار نصرالله مردانی و بدوی الجبل انجام شد. نتایج نشان داد جلوه‌های مقاومت از قبیل وطن پرستی، دعوت به مقاومت، دفاع از ملت خود، استعمارستیزی، ظلم ستیزی، تجلیل از شهید، اعتراض سیاسی و اجتماعی و ... در اشعار هر دو شاعر جلوه گر شده اند؛ بدون اینکه از یکدیگر متأثر باشند.

پژوهشی که توسط کرمی و همکاران (۱۳۹۸)، تحت عنوان واکاوی جغرافیای پایداری در شعر علی محمد مؤدب انجام شد. نتایج نشان داد پایداری در شعر مؤدب به ایران منحصر نمی‌شود. وی در طرح موضوعات پایداری در شعرش، نگاهی عام و فراگیر داشته؛ اما به‌طور خاص بر موضوعات پایداری مرتبط با کشورهای خاورمیانه متمرکز - شده‌است؛ از این رو، مؤدب در شعرش به فلسطین، غزه، لبنان، عراق، یمن، بحرین، سوریه، افغانستان، هائیتی و هیروشیما با رویکردی حمایتی پرداخته و در مقابل، نگاه انتقادی و اعتراضی خود را متوجه آمریکا، اسرائیل، انگلیس، روسیه، عربستان، مصر و ترکیه ساخته است.

نجمه طاهری و دیگران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی مضامین شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی، اعتراض‌های داخلی و خارجی را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل اعتراض‌های مربوط به کشورهایی چون لبنان، عراق، افغانستان و ... و وضعیت بردگان و کارگران در سایر کشورها اعم از فرانسه، روسیه و آمریکا پرداخته اند.

مبانی نظری تحقیق

ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تاثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون گریزی و قانون ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند. بنابراین جان مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. به عبارتی ساده تر، سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین بود، تحت عنوان ادبیات پایداری / مقاومت قابل



تقسیم بندی است (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹). در واقع ادبایت پایداری، یعنی ادبیاتی که در وجود سلیبی ایجابی ای چون نفی وضع ضالمانه موجود و ایجاد وضع عادلانه از حق و نفی باطل ظهور پیدا می کند (زودرنج و کوچکی نیت، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

ادبیات پایداری، واکنش فکری-فرهنگی ملت‌های تحت سلطه است. ملت‌ها با این که از جغرافیا، فرهنگ، منش و آرمانهای مختلف برخوردارند، اما بن مایه‌های ادبیات پایداری در سراسر دنیا در اغلب موضوعات، جهت گیری واحدی را دارد. انسان آزادی خواه و وطن دوست همواره در مقابل دشمن و زورگویی مقاومت نموده و این امر طبیعی است؛ زیرا انسان به گونه‌ای خلقت شده که هرگز ظلم و ستم را بر نمی‌تابد (باوان پوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). در واقع؛ ادبیات پایداری در ژرف ساخت خود با جامعه و اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی آن ارتباط دارد و به نوعی تابعی از بسترها و شرایط بیرونی اجتماعی به شمار می‌آید. بنابراین ادبیات پایداری و مقاومت نه تنها نماد جلوه‌های بیرونی مختلف جامعه است بلکه تلاش می‌کند تا جامعه را به حرکت و تلاش و پایداری در مقابل کاستی‌ها و یا معایب نمودها دعوت و حتی تهییج نماید و می‌کوشد تا آن را نیز دگرگون سازد. (نوبین، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

بحث اصلی و تحلیل

مختصری از زندگی نصرالله مردانی

نصرالله مردانی در سال «۱۳۲۶» شمسی در یکی از شهرهای جنوب غربی ایران، در شهر خطاب می‌کردند، از «ناصر» برق چشم‌ها و نگاه این کودک که او را در میان خانواده اش همان دوران کودکی به گونه‌ای متفاوت بود. انگار دنیای اطراف خود را طور دیگری حوزه هنری، می‌نگریست و همه چیز، حتی گذر ثانیه‌ها را موزون و آهنگین می‌دید (حوزه هنری، ۱۳۸۷: ۱۱).

مردانی در انقلاب و در سایه رهبری روح خدا شکوفا شد و حماسی ترین اشعار ماندگار این عصر را سرود. در همه عصرهای انقلاب، همیشه در خط اول جبهه فرهنگی قرار داشت و اشعارش آینه تمام نمای آرمان‌های انقلاب و شهیدان به شمار می‌رفت. وی با حضور فعال در جبهه‌ها و اجرای برنامه‌های شعرخوانی، رزمندگان را به مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن تشویق می‌کرد. او تنها



راوی جبهه‌های جنگ نبود؛ بلکه به همراه فرزندان برومند ایران از شرف و حیثیت ملی دفاع می‌کرد (همان: ۱۷). محرم «۱۳۸۲» از راه رسید. حالا دیگر نمی‌شد هیچ جای بدن او را پیدا کرد که در گیر بیماری نباشد. هفدهم محرم مصادف با نوزدهم اسفند ۱۳۸۲ کاروان مصیبت زده او، جسم بی‌جان را به وطن منتقل کردن آرامگاه مردانی در کازرون، باغی سبز و بسیار بزرگ بود که نام بوستان مردانی را بر آن نهاده بودند (همان: ۳۸).

پایداری در اشعار علی مؤدب

علی محمد مؤدب، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار معاصر ایرانی، در سال ۱۳۵۵ در تربت جام به دنیا آمد. وی فارالتحصیل رشته الهیات در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق (ع) در سال «۱۳۸۲» عاشقانه‌های پسر نوح منتشر کرد و همزمان کار خود را در حوزه روزنامه‌نگاری ادبی با فعالیت در نشریات حرفه‌ای شعر، همچون فصلنامه تخصصی شعر آغاز کرد. وی از شاعران متعهد عصر حاضر است که هیچگاه شعرش از زندگی و حضور انسانها خالی نیست. آنچه شعر مؤدب را از دیگر شاعران جوان متمایز می‌کند، علاوه بر غنای صوری اشعارش، دارا بودن نوعی تفکر اجتماعی فلسفی است که در قالب تلمیحات، نمادها و اسطوره‌های تاریخی و مذهبی انعکاس می‌یابد. نوگرایی نیز، علاوه بر همه خصایص ارزشمند دیگر در شعرهای مؤدب بسیار محسوس است و نگاه شاعر به زندگی، انسان و هستی با نگاه دیگر شاعران فرق دارد؛ از این رو، مؤدب در شعر خود به مسائل و موضوعات بسیاری در مورد ایران اشاره می‌کند (طالبیان و بیابانی، ۱۳۹۲: ۵۳).

پایداری با محوریت مردم ایران

مؤدب در اشعار پایداری خود، هم به انقلاب اسلامی و هم به مسائل هشت سال دفاع مقدس نظر دارد؛ از این رو، موضوعاتی چون امام خمینی (ره)؛ جنگ و شهادت در شعر او از برجستگی خاصی برخوردار است. در آثار شاعران انقلاب، مرجعیت، رهبریت و فرماندهی امام، سه رأس



مثلث هدایتگری را تشکیل می‌دهند. مؤدب نیز در اشعار خود به حضور و تأثیرگذاری امام و نقش هدایتگری ایشان و ارادت مردم نسبت به ایشان اشاره می‌کند:

خنده پیر جمارانی / شادی دل‌های بسیاران / خنده‌اش در خشکسالیها / لحظه‌های آبی باران / لب که
وا میکرد در تصویر / باز مادر گریه میافتاد / چشم خیس و شانه لرزان / از دل بابا خبر می‌داد / با امام
خویش بیعت کرد / حاج عمو در خواب کوهستان / بی گِله، دل از رمه بر کند / با پسر شد عازم
میدان (مؤدب، ۱۳۹۴: ۲۰).

در این شعر، مؤدب دو بعد از رهبری امام خمینی را به تصویر کشیده است؛ نخست، امام را به صورت رهبری کاریزماتیک ترسیم کرده و بیان می‌کند که رابطه میان ایشان و مردم، رابطه‌ای مبتنی بر احساس و عاطفه بوده است؛ سپس به ولایت و مرجعیت دینی ایشان اشاره می‌کند که امام از جایگاه و مقبولیت ویژه‌ای در نزد مردم برخوردار بوده؛ به گونه‌ای که ولایتمداری ایشان باعث وحدت مردم و حضور داوطلبانه آنها در جبهه‌های نبرد می‌شده است.

یکی از مضامین پرتکرار اشعار مؤدب، موضوع شهادت است. وی در کتاب روضه در تکیه پروتستانها از انقلاب سخن به میان می‌آورد و از ایران به عنوان بوستانی یاد می‌کند که با به شهادت رسیدن افراد بسیاری، بهار انقلاب بر آن حاکم شد: روزی به یمن بهمنی از ایمان / بستان ما بهار جدیدی شد / یک خانه بینصیب نماند از عشق / هر کوجه‌ای به نام شهیدی شد (مؤدب، ۱۳۹۰: ۲۲). همچنین، مؤدب در کتاب دست خون، به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اشاره می‌کند و از آن به خاطر شهادت چندین و چند هزار از جوانان و غیورمردان این بوم و بر، با عنوان هشت سال سرخ یاد می‌کنند:

لشکر پیر خمین این سان / غوطه در خون و خطر کردیم / هشت سال سرخ، ققنوسان / زنده در آتش سفر کردیم (مؤدب، ۱۳۹۴: ۴۶).

پایداری با محوریت مردم فلسطین

یکی از مهمترین نموده‌های ادبیات پایداری، سرودن اشعار مستقل در ستایش و دفاع از دیگر ملل مظلوم، به‌ویژه مقاومت مردم فلسطین بوده است (کافی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). مؤدب بارها و بارها در آثارش



به کشتار مردم مظلوم فلسطین اشاره می‌کند. او در کتاب همینقدر میفهمیدم از جنگ، کشتار غیرنظامیان، جنین، شهری در شمال کرانه باختری را اینچنین به تصویر می‌کشد:

میایستم با برادرانم / با نرودا / ... / نماز میخوانم / من گرم گفتن / نورانی می‌شوم و برافروخته / همچون چهره شهیدان «جنین» همچون خورشیدهای همیشه نینوا (مؤدب، ۱۳۸۳: ۳).

او همچنان امیدوار است؛ هرچند که به علت غفلت امت مسلمان، فلسطینیان چشم یاری از کسی ندارند؛ اما مؤدب این نوید را در شعرش میدهد که به پشتوانه الهی، آنها پیروز خواهند شد و به مسجدالاقصی خواهند رسید:

اما تو باز کریمانه همان کلید کوچک خونینی / که دروازه‌های فردا را به روی ما خواهی گشود / ... / تو به گوشیه‌های کرهای ما زنگ نمی‌زنی / تو از ما چشم یاری نداری / جزو لایک-های ما نیستی و / در فیسبوک ما کامنت نمی‌گذاری / اما خدای لیلۃ الاسراء ما را به مسجدالاقصی خواهد رساند (مؤدب، ۱۳۹۵: ۸۸).

پایداری با محوریت مردم سوریه

علی محمد مؤدب را باید یکی از نخستین شاعرانی دانست که در اشعار خود به سوریه و حمله داعش به آن اشاره کرده‌است. او به حامیان و بنیانگذاران پشتپرده داعش اشاره می‌کند که از سویی به امت مسلمان دست دوستی میدهند و از سوی دیگر، در جهت نابودی آنها گام برمی‌دارند. برخی از فجایع رخ داده در سوریه چون کشتار مردم بی دفاع را در شعرش به تصویر می‌کشد:

گرفتارم، برادرم! خواهرم! جوانم! جانم! / به رؤیایی شیرین فکر میکنم / به کسی که با دستی دستم را میفشارد / و با دستی گلوی تو را / با دستی دستم را میفشارد / و با دستی مردی را در حمص از پنجره خانه‌اش پرت می‌کند / با دستی دستم را می‌فشارد / و با دستی دخترکی سوریه به زنجیر می‌کشد / تا پدر و مادرش را پیش چشمش ذبح شرعی «الزهر» سه ساله را در کند / با دستی دستم را میفشارد / و با دستی دیگر از این همه فیلم می‌گیرد (مؤدب، ۱۳۹۵: ۸۵).



پایداری با محوریت مردم لبنان و عراق

همچنین مؤدب از سیدحسن نصرالله و تنهایی و غربت او در امر مبارزه صحبت می‌کند. او غربت سیدحسن نصرالله را در میان شیوخ عرب به غربت و تنهایی حضرت آدم پس از هبوط به زمین تشبیه می‌کند: ... همچو آدم در سراندیب/ غریب!/ ما غریبیم، غریب. برادرم، قزوه!/ غریب چون شمشیری در نزار/ چون سیدحسن نصرالله در محاصره شیوخ عرب ... (همان: ۳۹).

مؤدب، فضای کنونی عراق را با حادثه کربلا پیوند می‌زند. او عراق را به دخترک معصوم و سه ساله کربلا، حضرت رقیه تشبیه می‌کند و ویرانی عراق را با غربت و آوارگی حضرت زینب (س) در خرابه‌های شام و شهادت جوانان عراقی به دست تروریستها را با شهادت حضرت علی اکبر همسان می‌داند:

دخترک معصوم مُحرّمی تو، عراق! / که چون رقیهای / رها شده‌های / در شبهای ویرانه‌های تقاصها / که چون فریادی / قرن‌ها را میگردی زینوار / در هلهله سکوت کشتگان / نعش علی اکبر رشیدی تو، عراق! / و فرات و دجله / از برکت چشمان حسین / بر سینه تو جاری می‌شوند / که دیروز / بر سینه علی اکبرش / جوانی جنازه‌های امروز تو را / اشک می‌ریخت (مؤدب، ۱۳۹۲: ۶۱).

جلوه‌های مقاومت در اشعار نصرالله مردانی

میهن پرستی

وطن مردانی، وطن شهادت، حماسه، ایثار و تجلی گاه حق و نهضت جهاد در برابر تهاجم بیگانگان است. وی در غزل هابیل آفتاب از مجموعه خون نامه خاک، وطن خود را گور دشمن می‌داند و در افتخار و عشق ورزی به وطن خود چنین می‌سراید:

ما خلق‌های کشور خون و شهادتیم	تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم
شد مرزهای میهن ما، گور دشمنان	ما ارتش دلاور اسلام و امتیم
ما در جهان تجلی حقیم و در جهاد	آتشفشان قله خونین نهضتیم

(مردانی، ۱۳۷۰: ۸۰).



ملی‌گرایی

گرایش ملی در اشعار نصرالله مردانی نمایان است. مردانی در غزل کاوه خورشید مجموعه قیام نور، به نیاکان دلاور وطن خود افتخار می‌کند.

درید سینه ضحاک شب زدشنه داد نوید کاوه خورشید در کرانه فتح
 درفش نور برافراشت بر فراز فلک ستاره‌ای که درخشید در شبانه فتح
 (مردانی، ۱۳۶۰: ۵۶).

اندیشه جهان‌وطنی

اندیشه جهان‌وطنی را در جای‌جای اشعار مردانی میتوان یافت. وی در اشعار خود مسلمانان را برای حمایت از قدس و مردم فلسطین فرامی‌خواند. وی عقیده دارد که قدس تنها با جنگی مانند جنگ خیر آزاد خواهد بود و این جنگ به دست همه مسلمانان در جهان اتفاق خواهد افتاد. وی در رباعی خبیر خون از مجموع قیام نور در این باره می‌گوید:

از گور شهید، دسته نیلوفر خون بر قلب سیاه شب بزن خنجر خون
 در روز بزرگ قدس، شیطان بزرگ تکرار شود به دست ما خبیر خون
 (مردانی، ۱۳۶۰: ۸۴).

ترسیم چهره رنج‌کشیده مردم

مردانی در اشعار خود به ترسیم چهره رنج‌کشیده مردم پرداخته است. وی در غزل سپاه خون، از مجموعه قیام نور که آن را به شهیدان جمعه سیاه (شهید میدان ژاله) تقدیم کرده است، جنایت رژیم شاهی را در حق مردم بیگناه ترسیم می‌کند. وی برای تأثیر ژرف در نفوس، ردیف خون را آورده است. او درباره این فاجعه می‌گوید:

می‌آید از بهشت شهیدان، شمیم خون از شهر پر خروش شهادت، نسیم خون
 با خطبه بلند حقیقت نوید سردار انقلاب، قیام قدیم خون
 در آسمان خاک، هزاران ستاره سوخته با رویش اذان سحر در حریم خون



آمد زبطن فاجعه در جمعه سیاه با بیرق سپیده، سپاه عظیم خون
از مرز بی نهایت آینده‌ها گذشت در سنگر شهید، صدای کریم خون
(مردانی، ۱۳۶۰: ۲۸).

ستایش و توصیف رزمندگان

مردانی در اشعارش، دلاوری رزمندگان را توصیف و ستایش می‌نماید. وی در غزل وارثان خاک، خورشید شما روح خداست از مجموعه خون نامه خاک، ایشارگری‌ها ودلاوری‌های رزمندگان میدان جنگ را می‌ستاید:

ای یلان صف شکن، اسطوره شد ایثاران کوه آهن آب شد در عرصه پیکارتان
تندر تکبیرتان طوفان سرخ روزگار نعره‌های نور جاری از گل رگبارتان در خروش خشتان‌ای
فاتحان شهر خون دود شد در دست آتش، دشمن بسیارتان (مردانی، ۱۳۷۰: ۱۸).

رجزهای حماسی

ناگفته نماند که به اتفاق همه، مردانی بینانگذار غزل‌های حماسی محسوب میشود. وی از دوران کودکی تحت تأثیر حماسه شاهنامه و غزلیات حافظ قرار گرفت که اثری ژرف در رشد شاعری این کودک داشتند. وی در جوانی توانست از راه درآمیختگی غزل و حماسه، غزل‌های حماسی را متناسب با وضعیت جنگ ابداع و خلق کند. شایان ذکر است که حماسه (ملحمه)، رجزخوانی را نیز در بر میگیرد. مردانی در غزل حماسی (هاییل آفتاب)، از مجموعه خون نامه خاک، زیباترین رجزهای حماسی راسروده است. وی با یادآوری محاسن ملت خود در مقابل دشمن، رزمندگان را به مقاومت و مبارزه ترغیب می‌کند:

ما خلق‌های کشور خون و شهادتیم تمثیلی از حماسه و ایشار و وحدتیم
ماییم از نییره هاییل آفتاب کاین گونه در مقابل قاییل ظلمتیم
ما در نبرد باطل و حق با درفش فتح بر قله همیشه رفیع شجاعیم
شد مرزهای میهن ما، گور دشمنان ما ارتش دلاور اسلام و امتیم
(مردانی، ۱۳۷۰: ۸۰).



ستایش و تجلیل از شهیدان

مضمون شهید و شهادت، یکی از پرکاربردترین مضامین ادبیات مقاومت به شمار می‌رود و از اهمیت ویژه‌ای نزد شاعران و نویسندگان ادبیات مقاومت برخوردار است. این اهمیت ویژه از قداستی که این مضمون در قرآن کریم و دیگر ادیان دارد، سرچشمه می‌گیرد. مردانی در اشعار خود به شهید و شهادت اهمیتی ویژه‌ای داده که در جایجای مجموعه‌های شعری اش این مضمون نمایان است. از نظر مردانی، شهید راه حق با خون خود، حماسه دلاوری جاویدان را بر لوح تاریخ نوشت و قلب دشمن را با تیغ ایمان، ظفرمندانه پاره‌پاره کرد. خون شهید در دل کویر ظلمت و زمین همواره می‌جوشد.

زبانگ تندر تکبیر و جوش خون شهید هزار نهر سحر در کویر شب جوشید

بیوس گونه یاران که با پیام امام زکھکشان شهادت رسد سروش نوید
شهید عرصه حق بر صحیفه تاریخ زخون خوش رقم زد حماسه جاوید
سوار سنگر اسلام قلب اهریمن به تیغ نصرالله فاتحانه درید
(مردانی، ۱۳۷۰: ۱۱۱-۱۱۰).

اعتراض به افول ارزش‌ها

مردانی در غزل خاک علیل از از مجموعه خون نامه خاک، از افول و کمرنگ شدن ارزش‌های مثبت، به ویژه عشق و دوستی در فضای پر آشوب رژیم شاهی گله مند است و فریاد می‌زند که خاک ما علیل است و این گونه، زبان اعتراض را نسبت به این واقعیت می‌گشاید:

از هجوم شوکران کینه‌ها گور سرد عشاها شد سینه‌ها
مرده در مرداب تن، خورشید جان روح شب آمیخت با آینه‌ها
در دیار پر غبار قصه نیست جذب‌های از رستم و تهمینه‌هاست
سوخت باغ خرم اندیشه ام در حصار شعله زار کینه‌ها
(مردانی، ۱۳۷۰: ۱۷۷).



نتیجه‌گیری

جلوه مقاومت و مبارزه، خمیرمایه ادبیات مقاومت به شمار می‌رود که در اشعار هر دو شاعر به وفور به چشم می‌خورد. هر دو شاعر ملت خود را به مقاومت و نبرد با دشمن دعوت کرده‌اند و به ستایش و توصیف رزمندگان پرداخته‌اند و گاهی رجزهای حماسی را برای تهییج همت مردم و رزمندگان به کار برده‌اند. پرداختن به ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، بخش عمده‌ای از اشعار پایداری علی محمد مؤدب را دربرمیگیرد. در طرح مسائل پایداری فراملی، فلسطین و غزه بیشترین بسامد را دارند؛ به گونه‌ای که مؤدب در کنار سایر مجموعه‌های شعری-اش، یک مجموعه را با عنوان سفر بمباران بهطور ویژه به این موضوع اختصاص داده‌است؛ همچنین وی نخستین شاعر ایرانی است که در دفاع از سوریه قد علم کرد و جنایات داعش نسبت به مردم این کشور را در اشعارش ثبت نمود.

منابع و مآخذ

- باباسالار، علی اصغر؛ خضور، جولیت؛ (۱۳۹۸)، جلوه‌های مقاومت در اشعار نصرالله مردانی و بدوی الجبل، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۱، شماره ۲۰، ۲۵-۶.
- باوران پوری، مسعود؛ فدوی، طیبه؛ لرستانی، نرگس؛ (۱۳۹۶)، جلوه‌های ادب پایداری در شعر نسیم شمال با تکیه بر دیوان «باغ بهشت»، نشریه ادبیات پایداری، سال نهم، شماره هفدهم، ۲۱-۲.
- بصیری، محمد صادق؛ (۱۳۸۷)، سیر تحلیل شعر مقاومت در ادبیات فارسی، از آغاز تا عصر پهلوی. ج ۱. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- حوزه هنری. (۱۳۸۷)، آن یار دلنواز. تهران: سوره مهر.
- زودرنج، صدیقه. کوچکی نیت، زهرا، (۱۳۹۷)، «بیداری و پایداری فلسطین در اشعار تمیم برغوثی»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دهم، شماره هجدهم، ۱۷۲-۱۵۰.
- طالبیان، یحیی؛ بیابانی، احمدرضا، (۱۳۹۲)، بررسی مؤلفه‌های پایداری در فارسی سروده‌های علامه اقبال لاهوری، چاپ شده در فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی. س ۷، ش ۲۳، ۱۴۱-۱۲۱.



- طاهری ماهزمینی، نجمه؛ بصیری، محمدصادق؛ صرفی، محمدرضا؛ (۱۳۹۳)، بررسی مضامین شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی، چاپ شده در نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۶، ش ۱۱، صص ۲۳۰-۲۸۷.
- کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعرایران و جهان، انتشارات پالیزان.
- کافی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
- کرمی، رحیم؛ کرمانی، آرزو؛ خدادادی، مجید؛ (۱۳۹۸)، واکاوی جغرافیای پایداری در شعر علی محمد مؤدب، نشریه ادبیات پایداری، سال یازدهم، شماره بیستم، ۱۸۵-۱۶۲.
- مردانی، نصرالله، (۱۳۶۰)، قیام نور. تهران: انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
- مردانی، نصرالله، (۱۳۷۰)، خون نامه خاک. تهران کیهان.
- مردانی، نصرالله؛ (۱۳۶۰)، قیام نور. تهران: انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
- مؤدب، علی محمد، (۱۳۹۰)، روضه در تکیه پروتستانها. چاپ دوم. تهران: سپیده باوران
- مؤدب، علی محمد، (۱۳۸۷)، عطر هیچ گلی نیست. تهران: تکا.
- مؤدب، علی محمد، (۱۳۹۲)، عاشقانه‌های پسر نوح. چاپ دوم. تهران: شهرستان ادب.
- مؤدب، علی محمد، (۱۳۹۴)، کهکشان چهرها. چاپ دوم. تهران: شهرستان ادب.
- مؤدب، علی محمد، (۱۳۹۵)، سفر بمباران. چاپ دوم. تهران: شهرستان ادب.
- نوین، حسین، (۱۳۹۰)، «رویکردهای جامعه‌شناختی در شعر دفاع مقدس». فصل نامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال دوازدهم،
- وفایی خوش، قدرت الله، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار توفیق زیاد عبد الرحمن جبر الخادی، قیصر امین پور و حمید سبزواری». محمدجرفی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک.